



# فساد

## فقر و رفتارهای غیر مسئولانه



می رود. از منابع استفاده شایسته نمی شود و پول ها به شرکتهایی می رسد که با دولت زد و بند دارند.

### \*رشد رفتارهای غیر مسئولانه:

می توانند سود زیادی نصیب همپالکی های خود کنند تا جایی که ممکن است سرمایه گذاری های دولتی را تشویق می کنند. در واقع این رسوایی ها نه تنها در کشورهای در حال رشد رخ می دهد، بلکه در کشورهای پیشرفته که فساد، رواج کمتری هم دارد اتفاق می افتد. در خیلی از کشورها، پروژه هایی که به رفیق و رفقا سپرده می شود غالباً به اتمام نمی رسند چون منابع مالی به سرقت می روند. فساد به سوء مدیریت در پروژه های دولتی منجر می شود و این باعث کسری بودجه مالیاتی شده و سیاست سالم مالیاتی را به خطر می اندازد.

### \*افزایش مخارج کسب و کار:

وقت و پولی که صرف رشوه دادن به مقامات دولتی و کنار آمدن با قوانین پیچیده می شود، مخارج راه اندازی و ادامه کار را افزایش می دهد. این مخارج را یا روی جنس کشیده واز مصرف کننده می گیرند یا مانعی برای ورود شرکت به بازار می شود. نظام های قضایی فاسد نیز قدرت بستن قرارداد را محدود کرده و مانع از عملکردهای عادی و استفاده از فرصت های مناسب می شوند.

فساد اقتصادی، پدیده ای دیرپاست که جامعه بشری را آزار می دهد. این پدیده دهشتناک بر رفتار اقتصاد در سطح کلان و در میان بازیگران دنیای کسب و کار دارد. بیشتری زیان دیدگان از وجود فساد در هر جامعه شهروندان هستند. **جان سالیوان** رئیس مرکز شرکتهای خصوصی بین المللی (CIPE) که شعبه ای از اتاق بازرگانی ایالات متحده آمریکا است به همراه الکساندر شولینکف از مقام های برنامه ریزی در این مرکز پژوهش گسترده ای درباره هزینه بالای فساد بردوش بازرگانان و شهروندان متوسط انجام داده اند. آنچه میخوانید بخشی از این گزارش است که عناوین مهمترین آسیب ها را به طور خلاصه آورده است.

### \*توزیع غلط منابع:

منابعی که باید به تولید کالا و تامین خدمات اختصاص یابند، صرف فساد می شوند. این شامل منابع مالی مستقیم، مانند انتقالات پول نقد و منابع مالی غیر مستقیم، مانند انتقالات پول نقد و تامین مجوز ساخت و تولید برای شرکتهای کوچک تر می گردد. فساد باعث توزیع نامتعادل سرمایه هایی که باید صرف خدمات شوند نیز می شود. پول حاصل از پرداخت مالیات، در عوض اینکه به بودجه اضافه شود، در جیب کارمندان فاسد دولت

برده و اجرای قوانین را با شکست روبه رو می کند. فساد معمولاً موجب عدم اطمینان می شود و این چیزی است که صاحبان سرمایه را رَم می دهد.



#### \* کاهش رقابت و کفایت در کار:

زمانی که مقامات دولت برای دادن مجوز و گواهی تقاضای رشوه می کنند، در تعداد شرکتهایی که قادر به شرکت در بازار هستند ایجاد محدودیت می کند، در نتیجه به سودهایی دست می یابند که منفعتی برای جامعه ندارد و این کار موجب می شود شرکتهایی که مایل به پرداخت رشوه نیستند یا قدرت پرداخت آن را ندارند از دور خارج شوند. دستیابی به این قبیل منافع باعث می شود که کیفیت بد یا پایین تولیدات، به کارآیی و میزان تولید صدمه وارد کند و نبود رقابت به ضرر مصرف کننده تمام می شود که نه تنها باید به کالای درجه دو راضی شود، بلکه قیمت گزافی هم برای آن بپردازد.

#### \* افزایش میزان جرم:

فساد، نظامی را پرورش می دهد که حاکمیت قانون در آن نادیده گرفته می شود و جامعه ای را به وجود می آورد که در آن نهادهای قانونی و قضایی بی اثر هستند. در نظام های فاسد، کلاهبرداران به آسانی از زیر بار مجازات فرار می کنند. فساد نه تنها منجر به وقوع جرم های سیاسی می شود، بلکه تبهکاری و جرم های سازمان یافته را هم افزایش می دهد.

(مجله توسعه و صنعت)

#### \* رشد پایین تر:

فساد به شرکتهای کوچکتر صدمه می زند، زیرا تحمل هزینه سنگین فساد (وقت و پول) برای شرکتهای کوچک به مراتب دشوارتر است تا برای شرکتهای بزرگتر بطور کلی، شرکتهای کوچکتر از قدرت کمتری برای اجتناب از فساد برخوردارند و در محیطی کاملاً رقابتی فعالیت دارند و به همین دلیل مخارج آن را نمی توانند از مصرف کننده در بیاورند. بنابراین، در جایی که فساد شایع است، تنازع بقا برای شرکتهای کوچک مشکل بوده و همین، از آنجا که شرکتهای کوچک مانده قوه محرکه رشد عمل می کنند، به توسعه اقتصادی صدمه وارد می کند.

#### \* میزان پایین استخدام در بخش خصوصی:

وقتی کسب و کار و بازرگانی به اجبار به بخش غیر رسمی منتقل می شود، موانع ورود به آن و مخارج روافزون کسب و کار، که همه ناشی از فساد هستند، استخدام در بخش خصوصی را دشوار می کند و شرکت ها امکانی برای رشد و توسعه نمی یابند.

#### \* رشد فقر و نابرابری:

فساد، میزان عایدات طبقه تهیدست جامعه را کاهش می دهد، چون فرصت های شغلی در بخش خصوصی را ضایع می کند و نیز با محدودود کردن هزینه های خدماتی بخش دولتی، مانند دسترسی به خدمات بهداشتی و آموزش و پرورش، نابرابری را توسعه می دهد.

#### \* تضعیف حاکمیت قانون:

فساد، فرهنگی ایجاد می کند که مقامات دولتی ملزم به پاسخگویی در مقابل اعمالشان نیستند. در نظام های فساد، قوانینی که روی کاغذ تدوین شده اند، ضمانت اجرایی ندارند. بنابراین چیزی که مطرح است قانون نیست، بلکه آشنایی با افراد و مبلغ پول قابل پرداخت اهمیت می یابد، یعنی روابط، جای ضوابط را می گیرد.

#### \* تاخیر در اصلاحات دموکراتیک:

برای موفقیت در پدید آوردن اقتصاد مبتنی بر بازار و جامعه ای دموکراتیک، کشورها باید نهادهایی ایجاد کرده و پرورش دهند که متضمن قدرت اجرایی قانون بوده و سیاستگذاری شفاف می باشد. در نظام های فاسد، ایجاد نهادهایی سالم با ساختاری مناسب، کاری دشوار است. مقامات دولتهای فاسد که مسئول ایجاد اصلاحات می شوند، تدابیری اتخاذ نمی کنند که خود را از منافع ناشی از رشوه و حق و حساب گرفتن محروم کنند. فساد، حقانیت مناصب دولتی را تضعیف کرده و از آنجا که مردم در مشارکت تشویق نمی شوند، به روند دموکراتیک لطمه می زند.

#### \* کاهش میزان سرمایه گذاری:

فساد بر میزان سرمایه گذاری های داخلی و خارجی تاثیر منفی دارد. سرمایه گذاران، نهایتاً از سرمایه گذاری در محیط هایی که فساد در آنجا شایع است، اجتناب می کنند زیرا هزینه ها را بالا